

**عنوان مقاله:** فهم ماهیت جامعه ایرانی بر اساس الگوی گذران  
اوقات فراغت نسل جوان

**نویسنده‌گان:** تقی آزاد ارمکی، حامد اکبری

**منبع:** فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دوره اول شماره

تابستان ۱۳۹۱ صص ۲۰-۱

## چکیده:

- مدرنیته مفهومی است که تاکنون از زوایای متعددی بررسی شده است. شاید یکی از معتبرین نظریات در این حوزه نظریه گیدنر باشد. گیدنر اصالتاً مدرنیته را یک جریان فرهنگی می داند که وارد مرحه جدیدی شده و مولفه های عینی خاص خود را در همه ساخت زندگی اجتماعی دارند. بررسی نظرات گیدنر حاکی از آن است که گیدنر اصلی ترین ساخت تبلور مدرنیته را اوقات فراغت می داند. یعنی زمانی که افراد به گونه ای بازتابانه سبک زندگی و هویتی خاص خود را شکل می دهند.

مولفه های عینی خاص

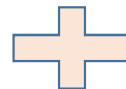
گیدنر اصالتاً مدرنیته را یک  
جریان فرهنگی می داند

## چکیده:

• این مقاله، به بررسی انضمایی این سوال می پردازد که بر اساس نوع گذران اوقات فراغت جوانان به عنوان یکی از اقسام جامعه، مدرنیته به عنوان یک ویژگی فرهنگی تا چه حد در جامعه نهادینه شده است. یافته های تجربی مد که بر اساس **پژوهشی کیفی** بر روی **۳۰ نفر** از جوانان ۲۰ تا ۳۰ شهر تهران به دست آمد نشان داد ترجیحات و گرایش های مدرن در بین جوانان شهر تهران در حال شکل گیری و ثبیت است. اما در همان حال بسترهای مادی و بایسته های اقتصادی تحقق عینی این خواسته ها و تمایلات در جامعه وجود ندارد.

30

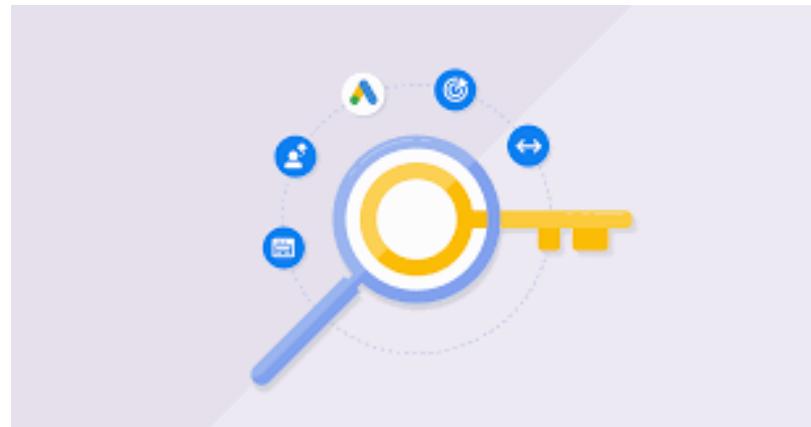
بسترهای مادی



بایسته های اقتصادی

# كلمات كليدي:

- گيدنر، مدرنيته، سبک زندگی، بازتابی، اوقات فراغت



• مفهوم **مدرنیته**، مفهومی است که در علم جامعه شناسی بسیار بحث برانگیز بوده است، این مفهوم همواره از زوایای متعددی نقد و بررسی شده است و موافقان و مخالفان بسیاری در میان جامعه شناسان دارد. صرف نظر از تعاریف مختلف ضد و نقیضی که برای مدرنیته در ادبیات جامعه شناسی ارائه می شود. مدرنیته در واقع نظام خاصی از نهادها و سازمانهای اجتماعی است که بستر ساز سبک زندگی خاصی در جامعه است که مجموعه ای از عوامل مانند تکنولوژی، جهانی شدن، فرد گرایی و نهادهای مدنی نقش عمده ای در آن بازی می کند.

مجموعه ای از عوامل مانند  
تکنولوژی، جهانی شدن، فرد  
گرایی و نهادهای مدنی

تعاریف مختلف  
ضد و نقیض؟

• امروزه عده‌ای از متفکران جدید جامعه شناسی بر این باورند که دوران مدرنیته به عنوان یک دوره تاریخی، دیگر سپری شده است و اثری از آن باقی نیست و امروز جهان دارد دوره‌ای جدید شده است به نام **مدرنیته دوم یا مدرنیته متاخر** که از بسیاری از جهات با **مدرنیته اول** متفاوت است. در این میان بسیاری از جوامع جهان مانند جامعه ایران که تازه با مدرنیته اول آشنا شده است و می‌کوشد عناصر آن را در جامعه خود درونی کند، به ناگهان یا پدیده‌ای به نام مدرنیته متاخر روبه رو گشته‌اند که روند تحولات آنها را به شدت تحت تاثیر قرار داده است.

درونی کردن

- در چنین شرایطی، شناخت و بررسی جامعه و فهم مختصات و ویژگی های آن دچار پیچیدگی ها و مشکلات فراوانی می شود. بررسی وضعیت کنونی جامعه ایران به وضوح وضعیت این جامعه را نشان می دهد که، به دلیل تغییرات و تحولات اجتماعی و نهادین آن دچار پیچیدگی هایی شده است.

تغییرات و تحولات  
اجتماعی و نهادین

- از سوی دیگر، بررسی نشان داده اند که در ساخت مدرنیته، مباحث نظری و تاریخی، تا حدود زیادی قدرت تبیین کنندگی دارند، ولی به به دلیل تعهد علمی دانشجویی در رشته مطالعات جوانان، بر یکی از ابعاد عینی- ذهنی مدرنیته ایرانی متمرکز شده ایم.



گیدنر

• در نتیجه در این تحقیق بر اینم تا با شناخت و بررسی الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان در شهر تهران به بررسی این موضوع بپردازیم که آیا این الگو، ماهیتی مدرن دارد یا همچنان از طرح واره های سنتی تبعیت می کند. در این پژوهش، از چهار چوب نظری انتونی گیدنر، برای سنجش مدرنیته در جامعه ایران، استفاده می کنیم تا بر مبنای آن بتوانیم پیرامون **ماهیت الگوی گذران اوقات فراغت جوانان تهرانی**، بحث کنیم تا در نهایت امکان بحث در مورد ابعاد مدرنیته فراهم شود.

## طرح مساله

- جامعه کنونی ایران، وضعیتی به شدت پیچیده و در هم ریخته دارد. مطالعات مختلف حاکی از آن است که این جامعه در حا تربه تغییرات و تحولات گوناگون می باشد.
- بر اساس مطالعات انجام شده در کل جامعه ایرانی را می توان با توجه به نکات زیر توضیح داد:
- ۱- هر م جمعیتی ایران در طی چند دهه اخیر تغییر نموده است به گونه ای که آن را تبدیل به یک جمعیت جوان نموده است.
- ۲- نوسازی فرهنگی و آموزشی در جامعه صورت گرفته است. میزان افراد با سواد در مقایسه با گذشته بیشتر شده است. موسسات اموزشی و تحقیقاتی جدید دایر شده و افراد بسیاری در آن موسسات مشغول به کار می باشند. به عبارت دیگر، جامعه در جریان **تجربه نمودن تغییرات متعدد** اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد.

• ۳- نوسازی فرهنگی و آموزشی در جامعه صورت گرفته است. میزان افراد با سواد در مقایسه با گذشته بیشتر شده است. موسسات آموزشی و تحقیقاتی جدید دایر شده و افراد بسیاری در ان موسسات مشغول به کار می باشند. به عبارت دیگر جامعه در جریان تجربه نمودن تغییرات متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد.

تغییرات متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

- ۴- جامعه ایران جامعه مصرفی است. میل به مصرف در حوزه های مادی (کالاها و مصنوعات تکنولوژیکی) و مصرف فرهنگی (مطبوعات فرهنگی، کتابخوانی، فیلم و...) افزایش یافته است.
  - ۵- تلاش در جهت برقرار ساختن نسبت خود با جهان و تعریف موقعیت خود در صحنه جهانی مورد توجه است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳، ۵۱)
- در کنار تغییرات نهادین و ساختار مذکور، مجموعه ای از تحولات ارتباطی و اطاعاتی نیز در جامعه ایران در حال رخ دادن است که جامعه را، به لحاظ فرهنگی، تحت تاثیر قرار می دهد در میان این تحولات نرخ بالای استفاده از اینترنت و رواج مهار ناپذیر گفتگوهای اینترنتی از جمله مسائلی است که به ویژه قشر جوان جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد:

**تعریف موقعیت خود در صحنه جهانی**

- «رشد استفاده از اینترنت در سطح جهان در فاصله چهار سال گذشته ۱۸/۹ درصد بوده است. ارائه همین آمار برای کشور ایران حیرت هر خواننده ای را بر می انگیزد. در سال ۲۰۰۰، از ۶۷ میلیون نفر جمعیت ایران ۲۵۰۰۰۰۰ نفر از اینترنت استفاده می کردند، در حالی که این رقم در سال ۲۰۰۴ به ۴۳۰۰۰۰۰ رسیده است. رشد اینترنت در فاصله چهار سال گذشته برای ایران حدود ۱۶۲۰ درصد بوده است که بالاترین رشد را در سراسر جهان نشان می دهد.

۱۶۲۰ درصد!

- با مقایسه امار می توان گفت که حدود ۶ درصد از جمعیت ایران از **تکنولوژی ارتباطی رایانه‌ای** استفاده می کنند. به عبارت دیگر از هر ۱۷ نفر شهروند ایرانی، یک نفر از اینترنت استفاده می کند (صادقی، ۱۳۸۴، ۹۵) همچنین سایر آمارها نیز در حاکی از حضور گسترده ایرانیان در عرصه مجازی و فضای وب است.

- در حال حاضر از هر ۱۰ نام ثبت شده در فهرست جست و جوی Orkut یک نفر ایرانی است و کاربران ایرانی دوشادوش کاربران بزرگی با سرعت شتابانی اقدام به عضویت در این سایت می کند (حسینی، ۱۳۸۴، ۱۱)

• علاوه بر اینترنت، ماهواره و استفاده از طولانی از برنامه های ماهواره ای، عاملی است که به طور جدی در حوزه های فرهنگی و رفتاری و به ویژه ترجیحات زیبایی شناختی نسل جوان اثرگذار است در خصوص تاثیرات استفاده از ماهواره هم در تحقیقات مختلف نتایج جالبی به دست آمده است مثلا طبق تحقیقی که پیرامون مددگرایی در بین جوانان انجام داده اند، این نتیجه به دست آمد که بیش از یک سوم افراد مورد بررسی ماهواره را عامل اصلی ترویج مدد می دانند (به نقل از ذکایی، ۱۳۸۴)



- مرور اجمالی تحقیقات در پژوهش های فوق، به روشنی نشان می دهد که جامعه ایران در حال تجربه مجموعه تغییرات بنیادین در ابعاد و ساخت های مختلف است. این تغییرات معلول عوامل مختلف جمعیتی، فرهنگی، ارتباطی، اقتصادی و بین المللی است و شرایطی را به وجود می اورد که عادات، سنت ها، هنگارها و به طور کلی قواعد عمومی زندگی اجتماعی، که از قدیم در جامعه وجود داشته است، به چالش کشیده می شود و موجب می شود تا افراد خودخواسته و اندیشمندانه به بازاندیشی و بازسازی قواعد و اصول زندگی خود در شرایط جدیدی که با دوران گذشته تفاوت های چشمگیر دارد، پردازند.

بازسازی قواعد و اصول زندگی خود

• این اتفاق از این بابت کسوت یک مسئله علمی جامعه شناختی را به خود می‌گیرد که ما را با این وضعیت رو برو می‌کند که افراد در جامعه ما، به طور کامل و جامع، به معنایی که در ادبیات آمده و در جامعه غربی تجلی یافته، مدرن نشده‌اند، شکل و نوعی خاصی از مدرنیت در جامعه ما وجود دارد که از آن به عنوان مدرنیته ایرانی (آزاد ارمکی و ...) یاد شده است. در این شرایط این سوال به ذهن می‌رسد که اگر جامعه ما به گونه‌ای خاص مدرن شده است بالاخره در تقسیماتی که در متون علمی بین دو جامعه سنتی و مدرن صورت گرفته است جامعه ما مدرن است یا سنتی و به لحاظ تئوریک، کدام فضای نظری و مفهومی با جامعه ما **همسویی انضمای** دارد.

فضای نظری و مفهومی

## چارچوب نظری



- گیدنر در بررسی مفهوم مدرنیت و ابعاد آن بیش از هر چیز با نقد دیدگاه های رایج در جامعه شناسی پیرامون مدرنیت پرداخته و معتقد است که برای بررسی این پدیده، رویکردهای کلاسیک جامعه شناسی، قادر کفايت نظری لازم اند:
- «اگر خواسته باشیم ماهیت مدرنیت را به درستی دریابیم، باید از چشم انداز های موجود جامعه شناختی در هر یک از جهات یاد شده فاصله بگیریم، باید پویایی شدید و پنهنه جهانی نهادهای مدرن را تبیین کنیم و ماهیت انقطاع های این نهادها را از فرهنگ های سنتی توضیح دهیم (گیدنر، ۱۳۸۴، ۲۱)

پنهنه جهانی نهادهای  
مدرن

- وی در ادامه تعریف خاص خود را از مدرنیته، به عنوان سلوک یا سبک خاصی از زندگی ارائه می دهد که ریشه های تاریخی خاص خود را دارد. البته این تعریف به دلیل تاثیراتی که گیدنر از ماکس وبر پذیرفته است، بیشتر ماهیتی فردی تا ساختاری:
- «مدرنیت به شیوه های خاص از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج، نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنر، ۱۹۹۰، به نقل از حاجی حیدری، ۱۳۷۸، ۱۱۷)

	<b>بیشتر ماهیتی فردی تا ساختاری</b>

- گیدنر همچنین در جای دیگر مدرنیت را این چنین تعریف می کند:
- مدرنیت در ساده ترین صورت شکل مختصر شده تعبیر جامعه مدرن یا تمدن صنعتی است. اگر به دقیق نگاه کنید، مدرنیت مربوط می شود، اولاً به مجموعه معینی از طرز تلقی ها نسبت به جهان و نسبت به ایده های جهان، به عنوان جهانی آزاد برای تغییر به دست و پا دخالت انسان ثانیاً نهادهای پیچیده، به ویژه تولید صنعتی و اقتصاد مبتنی بر بازار، ثالثاً حد معینی از نهادهای سیاسی، از جمله دولت- ملت و دموکراسی توده ای در نتیجه این ویژگی - هاست که مدرنیت به طور کلی از علم اجتماعی پویای بیشتری برخوردار است.

طرز تلقی ها نسبت به جهان و نسبت  
به ایده های جهان

- جامعه مدرن، جامعه‌ای است فنی‌تر، با نهادهای پیچیده، که بر خلاف فرهنگ گذشته در اینده زندگی می‌کند تا در گذشته (گیدنز، ۱۳۸۴، ۱۲۵-۱۲۶)
- پس از این که از یک طرف سنت و مشروعيت‌ان در جامعه کم رنگ شده و از طرف دیگر، جامعه، وضعیت و شرایط جدیدی به خود می‌گیرد که تا پیش از آن وجود نداشته است، زمینه و بستر لازم برای ظهور انسان بازتابی و به تبع آن جامعه بازتابی که همانا اصلی‌ترین مشخصه مدرنیت متاخر است، ظاهر می‌شود. در این جامعه، افراد تاش می‌کند تا اگاهانه و همراه با تفکر و تأمل لازم، زندگی روزمره خود را مدیریت کنند.

- در این جامعه، **اطلاعات**، اصلی ترین معیار و ملاک تصمیم گیری افراد در زندگی روزمره آنهاست. همچنین از آنجا که بشر در این دوره می پنداشد که معتبرتری اطلاعات را علم در اختیار انسان قرار می دهد، لذا تعامل خاصی هم در این دوره، بین جامعه و علم و تکنولوژی برقرار می گردد.

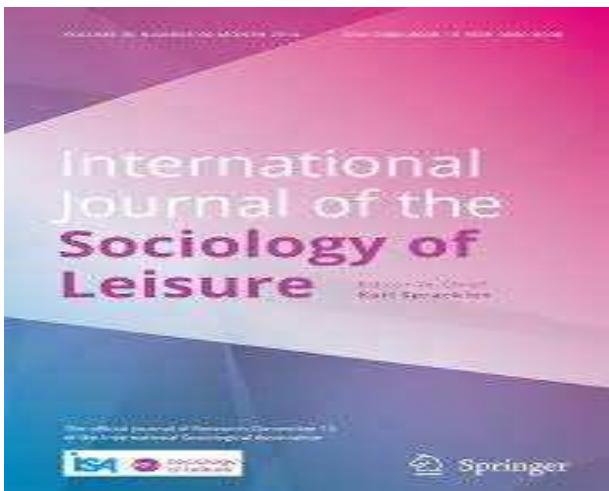
اصلی ترین معیار و ملاک تصمیم گیری



• گیدنر، بحث خود را چنین پی می گیرد که ماهیت بازتابی و تاملی مدرنیته، موجب می شود پدیده ای به نام سیاست زندگی ظهور یابد. سیاست زندگی به این دلیل به وجود می آید که ویژگی اصلی مدرنیته، افزایش انتخاب های پیش رو برای زندگی و کمرنگ کردن سنت ها و در واقع انتخاب های گذشته است، که خود را در قالب عادات رسوم و سنت ها جلوه گر می ساخته اند. در چنین شرایطی که حتی تا دیدنی ترین الیه های هویت فرد، **ماهیت بازتابی** دارد و باید با انتخاب اگاهانه خود فرد، سازمان یابد، برنامه های لازم است که فرد و زندگی او را منظم کند و به ان نوعی ریتم بدهد.

• گیدنر در خصوص بحث کار و فراغت، معتقد است که این دو مفهوم، مفاهیمی هستند که به یکدیگر وابسته اند و از طرفی دیگر، فهم آنها مستلزم توجه به مفاهیمی است مثل سطوح آموزشی در جامعه، دولت رفاه، و بازار کار، گیدنر، چنین ادامه می دهد که این اعتقاد که از دهه ۱۹۶۰ مطرح شد مبنی بر این که ما وارد جامعه فراغتی شده ایم، نادرست است و با واقعیت منطبق نیست. وی معتقد است که بر عکس کار امروز برای مردم پر اهمیت تر شده است:

سطوح آموزشی در  
جامعه، دولت رفاه، و  
بازار کار،



- برخلاف نظر کسانی که در دهه ۱۹۶۰ ظهرور یک **جامعه فراغتی** را پیش بینی می کردند، اینکه کار به جای این که اهمیت شود در زندگی مردم اهمیت پیدا کرده است، حتی با وجود نسبت بالای زنانی که اینکه در شمار نیروی کار هستند (گیدنز، ۱۳۸۵، ۲۵۹)

- طبق نظری که گیدنر، در خصوص سیاست زندگی، مطرح می کند می توان چنین گفت که فرد مدرن در زمان فراغت خود، به دنبال انتخاب گزینه ها یا مسیرهایی است که ترجیحات دلخواه وی را براورده گرداند و رضایت مطلوب وی را در زندگی برایش به ارمغان آورد. در این وضعیت فراغت که عرصه ای بدون ساخت است، فرصتی است برای ساخت بخشیدن مجدد دلخواهانه و اگاهانه به جوانب و ابعاد مختلف زندگی به ویژه بخش های خاصی از زندگی که هنوز برای فرد تولید نارضایتی و ناخشنودی می کنند.

### ترجیحات دلخواه

- از سوی دیگر باید توجه کرد که فراغت به عنوان یک سیاست یا راهبرد ، گرچه از یک منظر ابزاری است برای افزایش رضایت و کسب لذت، اما از ان جا که در جوامع امروز، امر شخصی پیامدهای غیر شخصی دارد، یا به تعبیری دیگر غیر محلی نتایج جهانی دارد، لذا فرد در زمان فراغت خود از یک سو تلاش می کند تا لذت دلخواه خود را کسب نماید، و از سوی دیگر به عنوان یک شهروند فعال با **مشارکت دلخواهانه** در زمان فراغت خود، نقشی فعال در حفاظت اجتماعی و رهایی بخشی افراد ایفا کند:

در جوامع امروز، امر شخصی پیامدهای غیر شخصی دارد

• مفهوم شهروند مطلع و فعال در قلب سیاست زندگی قرار دارد، نتیجه منطقی این وضع آن است که فراغت اکنون هم به رضایت خاطر درونی می پردازد، هم به تجهیز افراد برای ایفای نقشی فعال در حفاظت اجتماعی و محیط زیست و ارتقای آنها، شهروندان فعال و مطلع باید از پویش های نابرابری اجتماعی- اقتصادی، بی عدالتی، استثمار جنسی، حقوق معلولیت و مخاطرات زیست محیطی آگاهی داشته باشد. **رسانه های گروهی مجرایی برای این داده ها فراهم می سازند** و در بخش فراغت سیاست زندگی، نقش محوری دارند.

- شهروندان از طریق رسانه های گروهی اطلاعات کسب می کنند و این امر به آن ها امکان می دهد تا در مداخله اجتماعی فعال و بارور باشند. شبکه های محلی اطلاعات از طریق مدارس، دانشگاه ها، محیط های کاری و محلات ذخیره مهمی از اطلاعات و شناخت را فراهم می آورند، (روجک، ۱۳۸۸، ۸۶-۸۷)

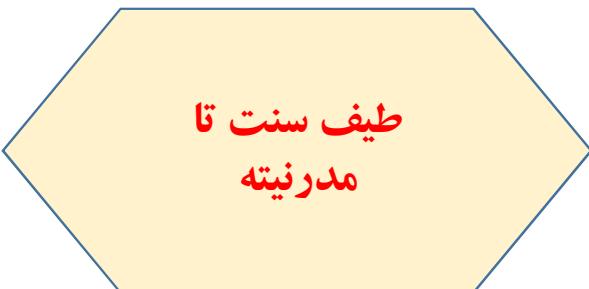
## اطلاعات و شناخت

• به منظور جمع بندی مباحث نظری که تاکنون مطرح شد باید گفت به طور کلی گیدنز، فراغت را زمانی می داند که هسته مرکزی مدرنیته، یعنی «**شهر وندی فعال**» در آن نمود و تجلی می یابد. در زمان فراغت افراد تلاش می کند تا به دلخواه به مقابله با خطرهای احتمالی که شخصی و یا اجتماعی انها را تهدید می کند، مقابله کنند و با رویکردی رهایی - طلبانه در راه حذف نابرابری های اجتماعی، تبعیض ها و بیعدالتی ها بکوشند. طبق نظرات گیدنز، برنامه ریزی فراغتی را می توان از ۴ منظر بررسی کرد: یعنی ماهیت، موضوع، هدف و روشی که در حقیقت جوامع مدرن معاصر و جوامع سنتی از حیث این ۴ جنبه با یکدیگر تفاوتی بنیادی دارند:

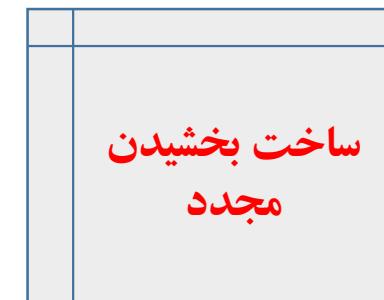
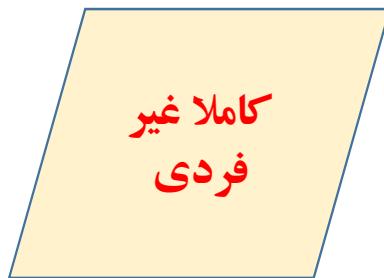
## جدول شماره ۱: نظرات گیدنز در خصوص برنامه‌ریزی فراغتی

جامعه سنتی	جامعه مدرن معاصر	برنامه‌ریزی فراغتی
ثابت	بازاندیشانه	ماهیت
گذشته	آینده	موضوع
تقویت یا تثییت آئین‌ها و رسوم اجتماعی	رضایت خاطر درونی همراه با حفاظت اجتماعی	هدف
براساس گزینشی اجتماعی و هنگاری توسط نهادهای فرهنگی غیرشخصی	بر اساس گزینش شخصی طبق اطلاعات علمی از میان فرصت‌های ساختاری موجود	روش

- از این منظر مدرنیته در واقع شامل مجموعه اتفاقاتی است که در زمان فراغت افراد رخ می دهد. در واقع بررسی نوع و چگونگی برنامه ریزی و گذران اوقات فراغت افراد، نشان دهنده این است که جامعه در کدام قسمت از طیف سنت تا مدرنیته قرار دارد.



• جامعه مدرن جامعه‌ای است که نوع گذران اوقات فراغت افراد در آن، معطوف است به جامعه و اصلاح بهبود و ساخت بخشیدن مجدد به آن، در راستای **بهبود وضع عمومی افراد** و گروه‌های مختلف در جامعه، اما از این منظر، جامعه سنتی جامعه‌ای است که فراغت در آن مفهومی کاملاً غیر فردی دارد و برای افراد صرفا زمانی است که تلاش می‌کنند تا برای حفظ و تثیت رسوم و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی کلان جامعه عمل کنند.



## روش تحقیق

- در این تحقیق از روش تحقیق کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. تعداد افراد نمونه این تحقیق ۳۰ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر تهران بودند، که بر مبنای نمونه گیری نظری انتخاب و با آنان مصاحبه شده بود. سوالاتی که از مصاحبه شوندگان پرسیده می شد، حول ۴ سوال اصلی تحقیق شکل گرفته بودند، که عبارتند از:

روش تحقیق کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق

نمونه گیری  
نظری

- ۱. نوع نگاهی که فرد نسبت با اوقات فراغت خود دارد، از این حیث که آیا اوقات فراغت را صرفا زمانی خارج از زمان کار یا شکل می داند که باید مطابق عرف یا قواعد بهنگار اجتماعی آن را سپری کند، یا آن را فرصتی می داند برای باز تولید هویت اجتماعی خود؟

مطابق عرف یا قواعد  
بهنگار اجتماعی

۱

۲- منابع تصمیم سازی و برنامه ریزی فراغتی برای فرد کدامند؟ آیا این منابع بیشتر به شکلی بیرونی هدایتگر برنامه فراغتی فرد هستند یا فرد مستقلا از بین منابع موجود، گزینه های مورد نظر خود را انتخاب می کند؟

منابع تصمیم سازی و برنامه ریزی فراغتی

2

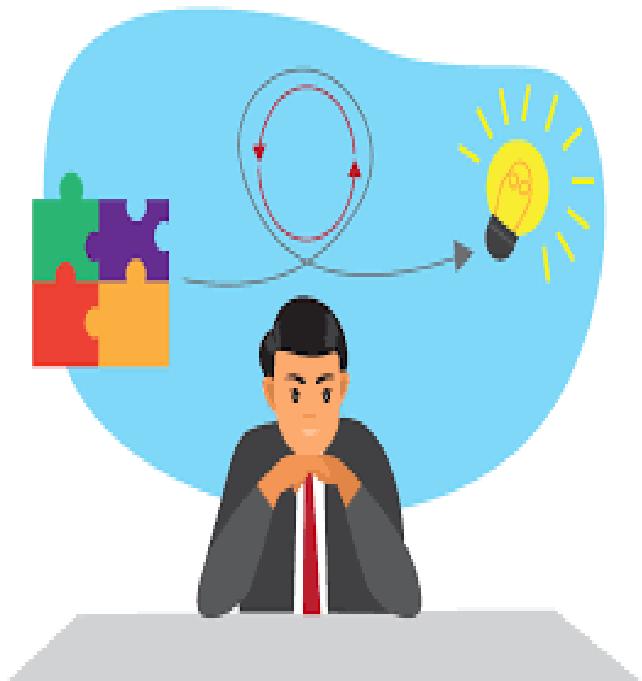
۳- هدف از برنامه ریزی فراغتی چیست؟ آیا فرد بیشتر به دنبال **کسب لذت در آن موقعیت** است یا اینکه از این برنامه ریزی هدفی فرا موقعیتی و متناسب با شرایط احتمالی خود در آینده نزدیک یا دور دارد؟



3

• ۴- خودکنشگر چه برداشتی از بافت یا زمینه اجتماعی برنامه فراغتی خود دارد؟ یعنی فهمی که وی از محیط اجتماعی پیرامون خود دارد، چیست و این فهم چگونه بر برنامه و کنش فراغتی وی تاثیر می‌گذارد؟

- در این تحقیق ابتدا بر اساس چارچوب نظری و سوالات چهار گانه ای که از آن استخراج شده بود، چارچوب کلی مصاحبه را معلم نمودیم، سپس پس از به دست آوردن پاسخ های مصاحبه شوندگان با کدگذاری پاسخ های ایشان مقوله از پاسخ های مصاحبه شوندگان استنتاج گردید که در ادامه می آیند.



- این مقولات بر اساس ویژگی هایی که گیدنر برای یک جامعه مدرن توصیف می کند، از پاسخ های مصاحبه شوندگان استخراج شده اند. گیدنر در مباحث مفصلی که پیرامون مدرنیته را این گونه بر می شمارد: **تضییف**، سنت کمرنگ شدن آن در تصمیمات و نگرش های افراد (گیدنر، ۱۳۸۳، ۲۸۹) فردگرایی (گیدنر، ۱۳۸۶، ۴۳)، تخصص گرایی (گیدنر، ۱۳۸۴، ۴۰) توجه ویژه به آینده به عنوان دوره ای سرشار از وضعیت های جدید و پیش بینی نشده (ریسک) که با دور گذشته و دوره حال تفاوت بنیادی دارد (گیدنر، ۱۳۸۷، ۶۰) **بازاندیشی و قابل گرایی** (گیدنر، ۱۳۷۸، ۴۲۴)

- از نظر گیدنر، این عناصر ویژگی های یک جامه مدرن است که در حال حاضر در بسیاری از جوامع، یا کامل ایجاد شده یا در حال ایجاد شدن است. وی همچنین معتقد است ویژگی های فوق در همه ابعاد زندگی یک کنشگر مشاهده می شود. در نتیجه یک کنش فراغتی مدرن، باید کنشی بازاندیشانه، معطوف به آینده، جدید و ابداعی، فردگرایانه و دانش بنیان باشد.

کنشی بازاندیشانه، معطوف به آینده،  
جدید و ابداعی، فردگرایانه و دانش  
بنیان

یک کنش فراغتی  
مدرن

- بنابراین سوالات طوری طراحی شدند که این مفاهیم و بسنجدند. پاسخ های مصاحبه شوندگان نیز بر این اساس تجزیه و تحلیل شد. پس از دسته بندی و کدگذاری اطلاعات به دست امده از پاسخ های مصاحبه شوندگان مقولات عمومی زیر از این پاسخ ها بدست آمد:

## سنت گرایی:

• **سنت گرایی:** سنت گرایی، مقوله‌ای است که مصاحبه شوندگان در این تحقیق بارها به آن اشاره کرده‌اند. چنان که گیدنر، اشاره می‌کند. اصلی‌ترین و مهم‌ترین مولفه یا شاخص سنت در یک جامعه میزان اعتقاد به قضا و قدر در آن جامعه است (گیدنر، ۱۳۸۷، فصل سنت) بر همین اساس در جریان گفت و گو با مصاحبه شوندگان از ایشان می‌پرسیدیم که تا چه حد به قضا و قدر و مفاهیمی هم ارز آنها اعتقاد دارند و آیا این اعتقادات جایگاهی در زندگی آنها دارد یا خیر؟

## فردیت:

• **فردیت:** این مقوله در حقیقت به وضعیتی اشاره می کند که فرد بر مبنای منطق و طرز فکر خاص خود، به مواجهه با پیرامون خود اقدام می کند. این مفهوم با مفهوم سنت گرایی تفاوت دارد. فرد سنت گرا، فردی است که همواره تلاش می کند تا بر مبنای اصول ثابت و تغییر ناپذیری در مواجهه با واقعیت، رفتار کند و همواره از مبانی تفسیری واحدی، در معنابخشی به زندگی اجتماعی خود بھرہ می جوید. اما فردیت به ان معناست که کنشگر، همواره خود منشا تصمیم گیری ها و برداشت هایش باشد، حتی اگر تفکرات و باورهای وی در نقطه مقابل تفکرات و برداشت های اطرافیان، خانواده و کلا منابع سنتی و ریشه دار معنابخش و تفسیرگری در جامعه باشد.

أصول ثابت و تغییر ناپذیری  
در مواجهه با واقعیت

کنشگر، همواره خود منشا تصمیم گیری  
ها و برداشت هایش باشد

## خاص گرایی:

• **خاص گرایی:** به وضعیتی اطلاق می شود که فرد در آن، اطلاعات و دانش اجتماعی مورد نیاز خود را از منابعی خاص و ثابت کسب می کند. در این وضعیت فرد چندان به منابع نا آشنا و عام توجه و اعتماد نمی کند. چنین فردی همواره تلاش می کند تا از افراد یا گروه ها و یا سازمان هایی که با آنها تعامل چهره به چهره دارد و از مدت ها قبل با آنها آشناست. اطاعات مورد نیاز خود را کسب کند و همواره در لحظات شک و تردید خود، از آنها مشورت بگیرد.

## لذت گرایی موقعیت مند:

• **لذت گرایی موقعیت مند:** در این تحقیق منظور از لذت گرایی موقعیتمند این است که فرد در فعالیت های فراغتی به دنبال چه چیزی می گردد. آیا صرفا به دنبال کسب لذتی آنی و لحظه ای است یا به دنبال هدفی خاص یا تحقق برنامه های مشخص، برنامه یا که طبق نظر گیدنز، **واکنشی بازتابانه** به ریسک هایی است که از بیرون بر فرد تحمیل می شود.

## برداشتی پیوسته نسبت به زندگی:

- افراد در دوره مدرن توجه خود را از گذشته به آینده خود معطوف می نمایند، زیرا که آینده برای آنان امری نامعلوم و در عین حال پر خطر است. این افراد به رسوم و اعتقاداتی که در گذشته وجود داشته است. چندان توجه و انتباختی ندارند، چرا که معتقدند که دنیا دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و لذا رسوم آین-ها و اعتقادات گذشته دیگر برای وضعیت کنونی مناسبی ندارد.
- در واقع افراد در دوره مدرن برداشتی انقطاعی نسبت به زندگی دارند. برداشتی به این شکل که باورها و اعتقادات سنتی را مربوط به گذشته می داند و آن ها را قادر کاربرد برای حال می دانند. اما در یک جامعه سنتی برداشتی که افراد از ماهیت زندگی دارند، برداشتی پیوسته و بدون انقطاع است، چرا که معتقدند آینده چیزی جز تکرار گذشته نیست و نباید باشد.

برداشتی انقطاعی نسبت به زندگی

## خاص گرایی:

• **خاص گرایی:** به وضعیتی اطلاق می شود که فرد در آن اطلاعات و دانش اجتماعی مورد نیاز خود را از منابعی خاص و ثابت کسب می کند. در این وضعیت فرد چندان به منابع ناآشنا و عام توجه و اعتماد نمی کند.

۱- منابع ناآشنا

۲- منابع عام

- چنین فردی همواره تاش می کند تا از افراد با گروه ها و یا سازمان هایی که با انها تعامل چهره به چهره دارد و از مدت ها قبل با آنها آشناست. اطلاعات مورد نیاز خود را کسب کند و همواره در لحظات شک و تردید خود از انها مشورت بگیرد.

## لذت گرایی موقعیت مند:

- در یان تحقیق منظور از لذت گرایی موقعیت مند این است که فرد در فعالیتهای فراغتی به دنبال چه چیزی می گردد، آیا صرفا به دنبال کسب لذتی آنی و لحظه ای است یا به دنبال هدفی خاص، یا تحقق برنامه های مشخص، برنامه یا که طبق نظر گیدنز، **واکنشی بازتابانه به ریسک هایی است که از بیرون و فرد تحمیل می شود.**

**برداشتی پیوسته نسبت به زندگی:** افراد در دوره مدرن، توجه خود را از گذشته به آینده خود معطوف می نمایند، زیرا که آینده برای آنان امری نامعلوم و در عین حال پر خطر است. این افراد به رسوم و اعتقاداتی که در گذشته وجود داشته است، چندان توجه و انتباختی ندارند چرا که معتقدند که دنیا دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و لذا رسوم آینه ها و اعتقادات گذشته دیگر برای وضعیت کنونی مناسبی ندارد. در واقع افراد در دوره مدرن برداشتی انقطاعی نسبت به زندگی دارند. برداشتی به این شکل که باورها و اعتقادات سنتی را مربوط به گذشته می داند و آن ها را قادر کاربرد برای حال می داند. اما در یک جامعه سنتی، برداشتی که افراد از ماهیت زندگی دارند، برداشتی پیوسته و بدون انقطاع است، چرا که معتقدند آینده چیزی جز تکرار گذشته نیست و نباید باشد.

• تفسیری دوگانه از شرایط اجتماعی: تفسیری دوگانه و شرایط اجتماعی، در حقیقت به وضعیتی اشاره می کند که فرد به این باور رسیده است که وضعیت کنونی تغییر پیدا کرده و به اصطلاح دوره و زمانه عوض نشده است. طبق مدل تحلیلی گیدنز، این وضعیت خود معلول یک عامل دیگر بوده که عبارت است زا: جریان آزاد اطلاعات، جریان آزاد اطلاعات مستقیماً از طریق مواجه ساختن فرد با تعداد بی شماری از سوالاتی که وی برای آنها پساختی ندارد و نیز با ایجاد شک فلسفی نسبت به گذشته، به طور غیر مستقیم، تشکیک در سنت و قواعد سنتی زندگی در نزد فرد را موجب می شود.

## برداشتی مبهم نسبت به آینده:

- از جمله مولفه ها یا شاخصه های جدی جامعه مدرن نوع نگرش این جامعه نسبت به آینده است. این جامعه بر اساس چهار ریسک هایی احتمالی که در آینده محتمل الوقوع استفاده ساخت می یابد. در واقع مسئله آینده و نوع مواجهه با آن اصلی ترین دغدغه افراد در جامعه مدرن است. در این معناف در جامعه مدرن آینده در نزد افراد دوره ای خاص است که سرشار است از ریسک ها و خطرهای احتمالی برخلاف جامعه سنتی، آینده صرفا دوره ای است شبیه به گذشته و اوصلا قانونی بین اینده و گذشته در نزد افراد احساس نمی شود.

جدول شماره ۲: بررسی تطبیقی مقوله‌ها

ردیف	مقوله	نسخ	دفعات تکرار
۱	سنت‌گرایی	ستی	۹ بار
۲	فردیت	مدرن	۱۶ بار
۳	خاص‌گرایی	ستی	۲۴ بار
۴	لذت‌گرایی موقعیت‌مند	غیرستی غیرمدرن	۲۴ بار
۵	برداشتی پیوسته نسبت به زندگی	ستی	۱۱ بار
۶	تفسیری دوگانه از شرایط اجتماعی	مدرن	۱۳ بار
۷	برداشتی مبهم نسبت به آینده	غیرستی غیرمدرن	۶ بار

## بحث و نتیجه گیری

In conclusion, ...

## بحث و نتیجه گیری

- با مرور مجموعه پاسخ هایی که افراد در جریان تحقیق ارائه داشته اند، به این نتیجه می رسیم که سیاستی بازاندیشانه در گذران اوقات فراغت در نزد جوانان تهرانی تا حدودی و به طور نسبی و نه کامل شکل گرفته است.
- بررسی ماهیت برنامه فراغتی جوانان تهرانی حاکی از آن است که هنوز شرایط جامعه ایران با وضعیت جوامع مدرن امروزی فاصله دارد و بسیاری از عناصر و عوامل ساختاری جوامع مدرن امروزی مانند وجود اقتصاد دانش محور، مرگ حرفه ها، اثرات فن آوری های اطلاعاتی، ادغام شرکت های بزرگ و تغییر سازمان اجتماعی کار (به نقل از سعیدی، ۱۳۸۷) در جامعه ما شکل نگرفته است و همین امر موجب می شود برنامه فراغتی جوانان تهرانی، برنامه ای تا حدودی مدرن و تا حدودی هم سنتی مبتنی بر سرگرمی محوری و لذت طلبی باشد.

• ضمن این که این سرگرمی محور بودن زمان فراغت بر مبنای لذتی انى و لحظه اى به عقیده محقق، واکنشی آرام بخش و تسلی دهنده برای جوانان است، چرا که جوانان به علت فقدان آزادی عمل و نتخاب در ساخت بخشیدن به زندگی خود، به سبب محدودیت های ساختاری موجود در جامعه، انگیزه و اشتیاق لازم را برای انجام امور شغلی و یا غیر شغلی روزمره خود از دست می دهند و این امر موجب می شود تا فراغت برای انها هر مقایسه با فراغت مدرن، دچار تغییرات ریخت شناسی گردد و در آن فرد، به جای تلاش برای رهایی بخشی و مقابله ریسک ها و بحران های احتمالی پیرامون خود، صرفا می کوشد تا به لذت و یا فراموشی و یا گست مقطوعی از زندگی روزمره خود دست یابد. در عین حالی که ممکن است علائق فراغتی مدرن را داشته باشد.

• در خصوص نحوه تصمیم گیری جوانان برای گذران اوقات فراغت خود باید گفت که یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که محوریت تصمیم گیری برای گذران اوقات فراغت در نزد افراد مصاحبه شده، کسب لذت و به دست اوردن حس تعلیق خاصی است که با احساس هر روزه انها متفاوت است. در انتخاب نوع فعالیت ها یا رفتارهایی هم که برای گذران اوقات فراغت خود انتخاب می کنند. باید گفت که نوع گزینش و انتخاب این فعالیت ها، صرفا تا حدودی ماهیتی بازآندیشانه و بازتابانه دارد.

- |                       |                     |
|-----------------------|---------------------|
| ۱- ماهیتی بازآندیشانه | ۲- ماهیتی بازتابانه |
|-----------------------|---------------------|

• گیدنر این چنین می گوید که وضعیت مدرنیته وضعیتی است که در آن فرد مداوم در حال بررسی و بازبینی مجدد خود و هویت خود است. در حقیقت وضعیت مدرن را اوضاعی می داند که کنش افراد در همه حوزه ها در معرض تغییر و تحول است و متناسب با گزینه های چندگانه و چند بعدی که همواره در حال تجدید شدن است انطباق می یابد.

- ۱- گزینه های چندگانه
- ۲- گزینه های چند بعدی

• گیدنر، مدرنیته را شرایطی می داند که حالتی جهانی ساز دارد و بر این اساس، همه قسمت های جهان بر روی هم تاثیر گذار و از هم تاثیر پذیرند، بر این اساس تصمیماتی که افراد در زندگی روزمره خود می گیرند، تحت تاثیر ترکیبی از شرایط محلی و جهانی اتخاذ می شود، لذا ماهیتی دو رگه و دو گانه پیدا می کنند، که از ویژگی های اصلی مدرنیته است.

- مرور پاسخ های مصاحبه شوندگان نشان می دهد تصمیماتی که جوانان تهرانی در حوزه های مختلف زندگی از جمله اوقات فراغت خود می گیرند، تا بسیار متاثر است. از شرایط محلی و پیرامونی خود آنها و ربط چندانی با شرایط جهانی و اتفاقاتی که در قسمت های دیگر دنیا می افتد ندارد. عموم پاسخ ها نشان از آن دارد که افراد در حوزه تصمیم گیری برای گذران اوقات فراغت خود چندان متاثر از غیر نیستند و توجیهی به پیامدهای غیر شخصی تصمیمات خود ندارند.

- عموم پاسخ‌ها نشان از ان دارد که افراد در حوزه تصمیم‌گیری برای گذران اوقات فراغت خود چندان متأثر از غیر نیستند و توجهی به پیامدهای غیر شخصی تصمیمات خود ندارند و اساساً گمان نمی‌کنند که عمل آنها پیامدهای جهانی داشته باشد، بر همین اساس و صرفاً بر اساس خواست شخصی و فردی و با توجه به امکانات و شرایطی که دارند، برای گذران اوقات فراغت خود برنامه ریزی می‌کنند. لذا این نوع برنامه ریزی نشان از جامعه یا پیشتر سنتی دارد تا مدرن.

• افرادی که در این تحقیق مطالعه شدند، بر اساس اصول ثابتی برای خود برنامه ریزی فراغتی داشتند و معمولاً به رفتار خاصی در اوقات فراغت خود می‌پرداختند و به ندرت تلاش می‌کردند تا کار جدیدی را در زمان فراغت خود انجام دهند. بر همین اساس نمی‌توان گفت که برنامه ریزی فراغتی جوانان تهرانی، برنامه‌ای کاملاً مدرن، بازآندیشانه و بازتابی است، بلکه برنامه‌ای است که تا حدودی هدفمندی هویتی دارد و تا حدودی هم لذت محور است و بر گذراندن زمانی خاص فارغ از دغدغه‌های روزمره تاکید می‌کند.

دغدغه‌های روزمره

برنامه‌ای کاملاً مدرن، بازآندیشانه و  
بازتابی

• البته در کنار اصول تصمیم گیری باید در اینجا پیرامون مقوله اعتماد و مشورت هم صحبت کرد. در مصاحبه هایی که صورت گرفت همواره یکی از سوالاتی که از افراد پرسیده می شد این بود که آیا شما در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت خود با کسی مشورت می کنید یا از منبع خاصی اطلاعات می گیرید یا خیر؟

- تقریبا همه پاسخ گویان اظهار گفتند که در خصوص نحوه گذران اوقات فراغت خود با کسی مشورت نمی کنند و از هیچ منبع خاصی اطلاعات نمی گیرند اما زمانی که از انها پرسیدیم در چه مواردی با سایرین مشورت می نمایید، پاسخ گویان عموما پاسخ دادند که در مسائل مهم زندگی، مثل رشته تحصیلی، شغل و ازدواج از دیگران کسب اطلاعات و تربه می کنند.

• در **واقع مفهوم اعتماد در نزد پاسخ گویان ساختاری سنتی داشت** که محوریت آن بر آشنایی چهره به چهره استوار است. گیدنر اعتقاد دارد که تجربه مدرن تجربه ای با واسطه است که در جریان آن رویداد ها و حوادثی مربوط به زمان دور، از زندگی روزمره سر در می آورند و مدام برنامه ها، اعتقادات و آگاهی های ما را به چالش می کشند.

• «گیدنر معتقد است که ویژگی تجربه با واسطه در عصر مدرن عبارت است از تجاوز سر زده رویداد های دور دست به آگاهی روزمره در واقع در راستای از جا شدگی زمان- فضا است که بازاندیشی دوران مدرن می تواند پذیرای مفهوم جداگانه ای در دوران مدرن شود.

جا شدگی زمان- فضا

ویژگی تجربه با واسطه در  
عصر مدرن

• البته نه مفهومی کاملاً جداگانه و انقطاعی به این معنا که گیدنر به درون مایه و شیوه این بازاندیشی و خرد ویژه نهفته در آن تاکیدی ندارد. (چنان که وبر تاکید می کند) بلکه آنچه از منظر او مهم است، فاصله گیری قابل ملاحظه از موقعیت های خاص زندگی و امکان نگاه فاصله دار و متاملانه در مورد موضوعاتی است که تا پیش از این به آنها چسبیده بودیم ( حاجی حیدری، ۱۳۸۸، ۱۴۴ - ۱۴۳)

• در اکثر پاسخ های مصاحبه شوندگان در خصوص نوع نگاه ایشان به اوقات فراغت و زمان مند بودن یا نبودن برنامه فراغتی ایشان مشخص شد که این برنامه بر اساس اصول و ملاک ها با عاداتی ریشه دار و قدیمی در نزد فرد صورت می بندد. در حقیقت ثابت بودن الگو یا نحوه گذران اوقات فراغت خود دال بر این است که اصول و قواعد واحد و با اهمیتی بر نوع و نحوه برنامه ریزی فراغتی افراد وجود دارد. یعنی در واقع اوقات فراغت افراد به شیوه های ثابت و با توجه به روند ها یا عاداتی که غبار زمان گرفته، در حال گذراست و به هیچ وجه رویداد هایی سرزده از آینده ای نامعلوم این الگوها را به چالش نمی کشد و فرد را به بازآندیشی مدام پیرامون آنها و انمی دارد.

• در رابطه با هدف جوانان از گذران اوقات فراغت خود، نظرات پاسخ گویان نشان داد که البته هدف خاصی از گذران اوقات فراغت از سوی افراد بررسی دنیال می شود. این هدف، عبارت است از کسب لذت، سرگرمی و وقتگذرانی، جوانان تهرانی مورد بررسی در این تحقیق، وقت فراغت را زمانی می پندارند که در آن لذت و سرگرمی خاصی را که علاقه شخصی ایشان است دنبال می کنند و در آن لذت و سرگرمی خاصی را که علاقه شخصی ایشان است دنبال می کنند و در آن از هر گونه هنجار یا قاعده شغلی، اجتماعی و فرهنگی، فراغت بال دارند.

• در حقیقت فراغت افراد از یک بابت برنامه مشخصی دارد و آن برنامه هم **ماهیتی ثابت و یکنواخت** دارد که بر اساس لحظات شیرین و خاطره انگیز گذشته و یا وضعیت شغلی و سبک زندگی کنونی فرد تکوار و باز تولید می شود و در آن اثری از بازاندیشی مداوم پیرامون حوادثی که بر زندگی امروز افراد مدرک می کشند و خیال آنها را نا آرام می کند دیده نمی شود، البته نکته ای که باید به ان توجه کرد این است که پاسخ گویان عموماً معتقدند که وضعیت زندگی آنها در اینده نامعلوم و نامشخص است.



ماکس وبر

• اما نکته اینجاست که بر خلاف جوامع مدرن که علم نقش محوری در جامعه پیدا کرده است که به تعبیر وبر و به اصلی ترین منبع تولید معنا برای مردم مبدل گشته است و مداوم پیرامون زندگی افراد و پیچیدگی های آن برای افراد تولید معنا برای مبدل گشته است و افراد را متقادع می کند تا درباره این پیچیدگی ها و سوالات جدید پیرامون عاقبت خویش هر چه بیشتر و بیشتر بیندیشند، علم و نهاد علم در جامعه امروز ایران به یگانه نهاد تولید معنا تبدیل نشده است و به هیچ نقش محوری به لحاظ منایی در زندگی جاری مردم ایران پیدا نکرده است و اساسا علم، رسانه ای در جامعه ایران ندارد که بتواند به تقویت خود و تضعیف روایت ها و گفتمان های رقیب خود بپردازد

• لذا باید گفت که بستر فرهنگی و همچنین بستر اقتصادی جامعه مدرن در ایران شکل نگرفته است و بر این اساس، نمی توان این جامعه را جامعه ای مدرن دانست. اما از سویی دیگر رسانه ها، که به تعبیر گیدنر اصلی ترین ابزار اشاعه مدرنیته جهانی به همه جوامع است به جامعه ایران نیز اشاعه یافته است. بر این اساس، ترجیحات فراغتی مدرن به زندگی جوان ایرانی تسری یافته است، اما امکان تحقق این ترجیحات برای آنان وجود ندارد.

- این مسئله سبب می شود تا جوانان که پیشتر از سایر اقشار جامعه با رسانه های جدید درگیرند، فاصله بین ایده آل ها و واقعیات را در زندگی روزمره خود، پیش از پیش حس کنند، به همین سبب اوقات فراغت در بین جوانان ایرانی، به زمانی برای کسب لذت به منظور دور از جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده است. زمانی که به جوانان کمک می کند تا این شکاف را کمتر، حتی برای لحظه ای کوتاه حس کنند.



- بررسی یافته های این تحقیق و نیز سایر تحقیقاتی که در سال های اخیر صورت گرفته است نشان می دهد به رغم نبود بسترهای مادی و اقتصادی که در بستر آنها جامعه مدرن قابل پیدایش است. به دلیل جریان آزاد اطلاعات که متأثر از رشد رسانه های ارتباط جمعی است، نسل جوان جامعه در حال تجربه موجی گسترده، از اطلاعات گوناگون است که به شکلی خاص، مبانی و مبادی اعتقادات سنتی آنها را به چالش می کشد.

مبانی و مبادی اعتقادات سنتی

• **افزایش ضریب نفوذ اینترنت** در ایران طی سال های اخیر، گسترش استفاده از شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای افزایش فارغ التحصیلان رشته های گوناگون دانشگاهی و ... از جمله شواهدی هستند که نشان می دهد جوانان در ایران، در بعض جریان گستردگی از اطلاعات قرار دارند و همین عامل به لحاظ نظری و فکری، سلایق و ترجیحات ذهنی آنها را دست خوش تغییر و تحول می کند. این تغییر ترجیحات و سلایق فکری خود را در سطح جامعه به وضوح در پدیده تفاوت نسلی نشان می دهد.

سلایق  
و ترجیحات ذهنی

• مثلا در تحقیقی که در سال ۱۳۸۶ داریپور در بین کلیه زنان و مردان ۱۸ سال به بالای تهرانی انجام داد، معلوم شد ارزش های جوانان و بزرگسالان در ۲۸ مورد با هم تفاوت معناداری دارد و میزان اهمیت جوانان به انواع ارزشی امنیت، سنت، جهان گرایی و برانگیختگی با بزرگسالان متفاوت است. (داریاپورف ۱۳۸۶، ۲۰)

۱- امنیت،

۲- سنت،

۳- جهان گرایی

۴- برانگیختگی

• اما این دگردیسی ارزشی و فرهنگی همزمان با تحولات زیربنایی مادی و اقتصادی پیش نرفته است و همین مسئله جامعه و به ویژه نسل جامعه را با چالشی جدی رو به رو کرده است. این تضاد بین ترجیحات فرهنگی با بسترها مادی شاید اصلی ترین ویژگی جامعه ایرانی در حال حاضر باشد. به نظر می رسد می توان همه ترجیحات، گزینش ها، عکس العمل ها و فعالیت های نسل جوان ایران را در این چارچوب تحلیلی درک و تبیین کرد. بهتر است برای اثبات این وضعیت نگاهی به آمارها بیاندازیم.

ترجیحات، گزینش ها،  
عکس العمل ها و فعالیت  
های

دگردیسی  
ارزشی و  
فرهنگی

تضاد بین ترجیحات  
فرهنگی با بسترها مادی

- طبق گزارشی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ از وضعیت کسب و کار در ایران ارائه داد. ایران در میان ۱۸۱ کشور جهان برای تسهیل امر کسب و کار رتبه ۱۴۲ را دارد. در همین رتبه ۱۴۷ را برای استخدام متخصصان کار دارد. همچنین رتبه ۱۶۴ را در زمینه حمایت از سرمایه گذاران دارد و نیز رتبه ۱۴۲ را در حوزه تجارت خارجی (بانک جهانی، ۲۰۰۹)

۲۰۰۸

- این آمار حاکی از آن است که طبق شاخص‌های اقتصادی ایران وضعیت نامناسبی در اقتصاد جهانی دارد. در واقع این آمار حاکی از آن است در حوزه‌های اقتصادی، تفاوت بسیاری بین ما و کشورهای پیشرفته وجود دارد. این در حالی است که تفاوت ما با کشورهای پیشرفته در حوزه‌های فرهنگی و ارزشی کمتر از حوزه‌های اقتصادی است.

- مثلا از هر ۱۷ شهروند ایرانی، یک نفر از اینترنت استفاده می کند (صادقی، ۱۳۸۶) و یا در خصوص آموزش، طبق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، شاخص آموزش در ایران ۷۹۳/۰۰ است و در حالی که شاخص آموزش در کشور نروژ در رتبه اول توسعه انسانی قرار دارد. (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۹، ۱۷۱-۱۷۲)



• این آمار نشان می دهد که در بعضی از شاخص های فرهنگی در حال نزدیک شدن به کشورهای توسعه یافته هستیم، در حالی که فاصله ما با کشورهای توسعه یافته در حوزه های اقتصادی بسیار زاید است. به نظر می رسد این ناهماهنگی بین ساخت مادی و معنوی جامعه، که شاید به اشکال گوناگون سایر محققان و پژوهشگران به آن اشاره کرده اند، اصلی ترین ویژگی مدرنیته ایرانی باشد. مدرنیته ایرانی، مدرنیته ای است که در حوزه فرهنگی و ارزشی با سرعتی آرام در حال رخدادن استف اما در حوزه اقتصادی و مادی با روندی بسیار آهسته تر در حال پیشروی است لذا فرهنگ نسبت به اقتصاد در این رابطه تقدم هستی شناختی دارد. در حای که اقتصاد چند مرحله عقب تر از فرهنگ قرار دارد.

ناهماهنگی بین ساخت مادی و  
معنوی جامعه

• در پایان باید چنین گفت که حوزه مطالعات فراغت در ایران می تواند به عنوان حوزه ای جدی و وسیع از جنبه های گوناگون بررسی و مطالعه شود فراغت ایرانی، همچون ماهیت جامعه ایرانی، چندگانه و متنوع است. اما شاید اصلی ترین ویژگی آن، عدم تطابق بعد مادی یا بعد غیر مادی آن است. به این معنا که با توجه به تضعیف منابع سنتی، کنش در اثر جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات، الگوهای جدیدی از سبک زندگی فراغتی را به فرد عرضه می کند که با شرایط مادی و اقتصادی وی همخوانی ندارد.

• در نتیجه فرد از یک سو علاقه مند به شبکه های فراغتی جدید می شود، اما از سوی دیگر توانایی گزینشگری محدودی دارد، لذا می کوشد به ترکیبی معقول و باور پذیر در برنامه فراغتی خود دست یابد. این امر اصلی ترین ویژگی فراغت ایرانی است و با توجه به این که فراغت خود بخشی از شرایط عمومی تر و وسیع تر جامعه است، به نظر می رسد این ناهمزمانی جنبه های مادی و غیر ماید به عنوان ویژگی جامعه ایرانی قابل تأمل است.

توانایی  
گزینشگر

ترکیبی  
۱- معقول و ۲- باور پذیر